

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دمیتری مینین (Dmitriy Minin)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۱ اگست ۲۰۱۷

اسرار جنگ سوریه: عامل امریکائی

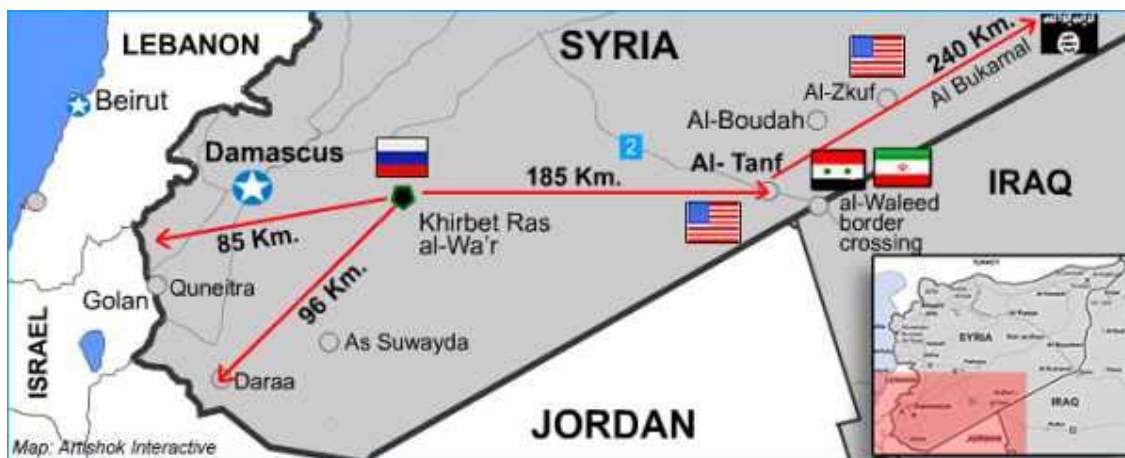


اطلاعات مربوط به موضع امریکا در مورد درگیری‌های سوریه بسیار متناقض است.

از یک سو، خبرهای منتشره حاکی از این است، که امریکائی‌ها گویا به حمایت از مخالفان در جنوب سوریه پایان داده‌اند. حتی عملیات سازمان "سیا" در این کشور متوقف شده، تا جایی که ارتش آزاد سوریه که تحت تابعیت سازمان "سیا" می‌باشد، بی‌تأثیر شده و به مبارزه با نیروهای تحت نظارت پنتاگون به نام نیروهای دموکراتیک کرد سوریه دست زده و ترمپ، ظاهراً، جانب پنتاگون را گرفته است. در همین حال، تیلرسون، وزیر خارجه می‌گوید، که تعویض رژیم در سوریه ممکن است خطرناک باشد. در مصاحبه دیگری او اظهار داشت، که بشار اسد و روسیه باید در روند بازسازی سیاسی سوریه مشارکت نمایند. ایالات متحده امریکا، همچنین موافقت نمود که به دو منطقه از چهار منطقه کاهش تنش به ابتکار مسکو بپیوندد.

اما، از سوی دیگر، از واشینگتن کمافی‌سابق اظهاراتی مبنی بر نبود جا برای اسد در آینده سوریه به گوش می‌رسد و همچنان او را تهدید می‌کنند. به نظر نمی‌رسد امریکائی‌ها برای خروج از ۱۰ پایگاه نظامی خود که در خاک سوریه ایجاد کرده‌اند، تدارک می‌بینند. حمل محموله‌های نظامی به آنها افزایش می‌یابد، به تعداد نظامیان امریکائی اضافه می‌شود. حضور ناوگان دریائی امریکا در آب‌های مجاور گسترش می‌یابد. ۷ اگست گزارشاتی در باره حمله هوائی

امریکا و شلیک راکت‌های هیمارس به مواضع شبه‌نظامیان عراقی طرفدار سوریه در جنوب گذرگاه مرزی التنتف انتشار یافت. قبل از این تصور می‌شد، که نظامیان امریکائی به طور کلی آنجا را ترک کرده‌اند. ۴۰ نفر کشته و ۳۰ نفر زخمی شد. همزمان با هجوم امریکا، شبه‌نظامیان داعش ممنوعه در روسیه به این مواضع حمله کردند.



همه این‌ها نشان می‌دهند، که تاکتیک امریکائی‌ها در سوریه، احتمالاً، تغییر یافته، اما ستراتیژی آنها همان است که بود و به مفهوم تأمین سلطه امریکا در منطقه فوق‌العاده با اهمیت خاورمیانه و بیرون کردن همه رقبای ژئوپلیتیک از آنجا می‌باشد.

جفری ساکس، اقتصاددان و تحلیلگر سیاسی مشهور، مشاور دبیر کل ملل متحد اعتقاد دارد، که "هدف اقدامات تحت مدیریت امریکا برای ساقط کردن اسد در راستای دفاع از خلق سوریه نیست". آنها فقط "جنگهای وکالتی علیه ایران و روسیه می‌باشند، که در خاک سوریه به مثابه میدان نبرد جریان دارد".

مشاور سیاسی ارشد فرماندهی مرکزی ارتش امریکا، نادر اسکویی تصریح می‌کند، که هدف سیاسی اولیه امریکا در سوریه مرتبط با شکست داعش، "اساساً برآورده شده است". خطر اصلی برای پرسنل ارتش و منافع امریکا در سوریه در دوره آتی، به اعتقاد او، عبارت است از "نیروهای تحت مدیریت ایران" و تلاش تهران برای ایجاد پل با دمشق از طریق عراق. برای مقابله با این، لازم است امریکا همراه با "متحدان سنی" خود "صحرای بادیه (جنوب سوریه) و دره فرات (شرق کشور)" را کنترل نماید. عامل مشکل‌ساز در اینجا موضع روسیه است. مشاور امریکائی پیشنهاد می‌کند که، یا باید "به مهار ایران" و یا حداقل به قطع حمایت از ایران جلب شود.

واشینگتن پست نیز با اشاره به منبعی در کاخ سفید می‌نویسد، که دولت اقدام خود در دوره بعد از آزادسازی رقه را با این تصور که منطق مبارزه در مرحله بعدی، امریکا را به رویارویی مستقیم با "نیروهای دولتی و طرفدار ایران" رهنمون خواهد شد، برنامه‌ریزی می‌کند. جنوب و شرق سوریه را هم به عنوان منطقه اصلی درگیری‌های آینده می‌بیند. ضربات زمان‌های اخیر به ارتش اسد و "شبه‌نظامیان طرفدار ایران" فقط هشدار بود دایر بر این که "اگر آنها رو در روی منافع امریکا و متحدانش قرار بگیرند"، چه بر سرشان خواهد آمد. بنا به گزارش این روزنامه، محتوای این ستراتیژی، که افزایش مداخلات امریکا و همچنین، رویارویی مستقیم با روسیه و ایران را در برمی‌گیرد، در کاخ سفید و پنتاگون مذاکره می‌شود. در همین حال، بدون این که "کسی" با خود ستراتیژی و اهداف آن "مخالف باشد"، موفقیت‌آمیزترین راه‌های "عملیاتی کردن" آن بحث می‌شود.

در کاخ سفید باور ندارند، که موضع پنتاگون مسالمت‌آمیزتر است: گویا، بخش نظامی به طور مستقل و بدون کسب تکلیف از دولت، به اهداف ایرانی و هوایی دولتی در سوریه آتش می‌گشاید. بهانه برای تشدید عملیات جنگی علیه سوریه می‌تواند، از جمله، طرح اتهامات دوره‌ئی در زمان‌های اخیر، مبنی بر استفاده دمشق از سلاح کیمیائی قرار گیرد. به عنوان مثال، واشینگتن تایمز در این باره استدلال می‌کند، که "خلاف اوپاما"، که کاربرد سلاح کیمیائی در سوریه را به عنوان خط قرمز خود تعیین کرد و سپس به دست فراموشی سپرد، ترمپ "از جنس به مراتب سخت‌تری ساخته شده است". اگر آمریکا دست به اقدام بزند، "فقط تعداد معدودی شگفت‌زده خواهد شد".



شلیک "تاماهاوک‌های" امریکائی به سوریه

در اقدامات اخیر امریکائی‌ها، از جمله، تشدید حمایت از شبه‌نظامیان کرد در شمال، سمت و سوی بالکانیزه کردن سوریه و تجزیه آن به طرفهای متخاصم با یک دیگر بوضوح دیده می‌شود. تشکیل روزآوا درست رونوشت طرح کوزوو بوده و پایگاه‌های امریکائی در روزآوا کاملاً شبیه پایگاه بونداستیل در ناحیه کوزوو می‌باشد.



"مشاوران" امریکائی در شمال سوریه

صالح مسلم، رهبر حزب کردی اتحاد دموکراتیک در منطقه که در معرض توجه امریکائی‌ها قرار گرفته، دیگر در این باره سخن می‌گوید، که رقه بعد از آزادی از اشغال داعش به مجموعه ساختار کردی ملحق خواهد شد. صالح مسلم، که ابتداء به مصالحه با دمشق تمایل داشت، تحت تأثیر امریکائی‌ها سازش‌ناپذیرتر می‌شود. با درگیر شدن در جنگ چندین ماهه برای آزادسازی رقه، رهبران کرد ارتش دولتی را بدون توضیح این که به چه نحوی می‌توانست مانع آنها بشود، مقصر آن اعلام می‌کنند. امریکائی‌ها در تلاشها برای خاموش کردن نارضایتی جمعیت عرب سوریه از طریق تحبیب

بیش از حد کردها، گام‌های بلندی در جهت عامل دینی برمی‌دارند. تا جایی که مشاوران امریکائی، همه جمعیت سنی کشور را به اتحاد در اطراف کردهای سنی فرامی‌خوانند. در عراق نیز از تاکتیک مشابهی استفاده می‌کنند، اما کردها در جامعه سوریه هیچ گاه به مثابه طرفداران ویژه اسلام شمرده نشده و مسأله ملی برای آنها همواره در جایگاه اول قرار داشته است.



پلیس آینده عرب‌های رقه در دوره آموزشی امریکائی در حال ادای احترام به شیوه خاص کردها و اکنش عرب‌های "تحت نظارت" به آنها چگونه خواهد بود؟

در مجموع "عامل کردی" در ستراتیژی سوری امریکا خطر جدیدی می‌آفریند. نه فقط دمشق و آنکارا، حتی بخش قابل ملاحظه‌ای از مخالفان سوریه به هیچ‌وجه نمی‌توانند با تشکیل روژآوا، به ویژه در محدوده جغرافیای فعلی موافق باشند. واشینگتن با یک معضل جدی رو در رو خواهد شد: آیا به تعهدات در مقابل کردهای تحت قیمومیت خود به بهای از دست دادن طولانی مدت چنین متحد ستراتیژیک، مانند ترکیه پای‌بند خواهد بود؟ سازمان "سیا" این مسأله را بروشنی در مقابل خود قرار داده، اما، با واگذاری موضع خود در سوریه به مبارزه دستگامی، بازی را در این کشور مدیریت نمی‌کند. جنرال‌ها نیز فکر خاصی به عاقبت سیاسی نمی‌کنند، آنها به وضعیت نظامی فعلی توجه دارند. کردها - رزمندگان خوبی هستند؟ آری. آنها نتایج مشخصی در پی می‌آورند؟ آری. و به اندازه کافی. نظامیان امریکائی این مسأله را که عوارض جانبی اضافی به دنبال خواهد داشت، با این تصور که مسؤولیت پیامدها نه به عهده آنها، بلکه، به عهده وزارت خارجه و سازمان "سیا" خواهد بود، نادیده می‌گیرند. سرنوشت متحدان فعلی نیز آنها را چندان نگران نمی‌کند. تمام نظرسنجی‌ها در خاورمیانه گواه آن است، که بیش از همه امریکائی‌ها را به خاطر ناپایداری‌شان مذمت می‌کنند. کردها به وعده‌هایی که به آنها داده می‌شود، باور می‌کنند. اما بناحق! در آینده یأس تلخی منتظر آنهاست. ترکیه - پایه و اساس جبهه جنوب ناتو می‌باشد. برای حفظ آن واشینگتن اعتبار خودش را هم فدا می‌کند. به نظر می‌رسد کردها می‌بایست از خواری، از آن که آنچه امریکائی بر سر محبوب سابق خود - ارتش آزاد سوریه آوردند، احتیاط می‌کردند، اما، چشم‌انداز تحقق آرمان ملی، احتمالاً، چشم‌های آنها را بسته است.

<https://www.fondsk.ru/news/2017/08/15/tajny-sirijskoj-vojny-amerikanskij-faktor-44492.html>

۱۳۹۶/۵/۲۷